

یک زنگ از چهار زنگ ما

نگرشی به جایگاه فرهنگ و معلم در نسل امروز

نویسندگان:

منصور اسلامی فر

معصومه حبیبی‌نند



انتشارات اردیبهشت

سرشناسه	مسلمی قر، منصوره
عنوان و نام پدیدآور	یک رنگ از چهار رنگ ما مؤلفین: دکتر منصوره مسلمی قر، معصومه جلیاوند
مشخصات نشر	تهران - اردیبهشت ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۲۷۲ص
شابک	۳ - ۳۱۷ - ۱۷۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
موضوع	معلمان - ایران - خاطرات. Teachers -- Iran -- Diaries
موضوع	نگرشی به جایگاه معلم. Persian poetry -- 20 th century
موضوع	خاطرات ایرانی. Iranian diaries
شناسه افزوده	جلیاوند، معصومه
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ م. ۹/الف. ۲۸۳۲/۴
رده‌بندی دیویی	۳۷۱/۱۰۰ ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۷۱۹۴۱



انتشارات اردیبهشت

آدرس: خیابان مصلاب - ۱۲ فروردین - پلاک ۳۱۶ - طبقه اول

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۷۶۰۰ - ۷ - ۶۶۴۸۰۸۸۶ تلفکس: ۶۶۴۹۲۸۷۶

کتابخانه: ۶۶۱۱۱ - ۱۳۱۴۶

pub_ordibehesh.com

www.ordibehesh.pub.ir

عنوان کتاب: یک رنگ از چهار رنگ ما

نویسندگان: دکتر منصوره مسلمی قر - معصومه جلیاوند

مدیر امور فنی: امیر هوشنگ اسکندری

صفحه‌آرایی: ارمغان

لیتوگرافی: راپیدگرافیک

چاپ: گوهر اندیشه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شابک: ۳-۳۱۷-۱۷۱-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول - تاریخچه‌ی آموزش و پرورش
۲۱.....	بخش اول- تاریخچه آموزش و پرورش در ایران باستان
۲۳.....	اهداف آموزش و پرورش در ایران باستان
۲۵.....	روش آموزش و پرورش در ایران باستان
۲۶.....	سبب آموزش، ایران باستان
۲۷.....	مواد درسی در ایران باستان
۲۸.....	مکان تحصیلی در ایران باستان
۲۸.....	معلم در ایران باستان
۲۹.....	جایگاه فرزند، خانواده و طبقات اجتماعی در آموزش و پرورش ایران باستان
۲۹.....	اهمیت دانش در کتب باستان
۲۹.....	آموزش و پرورش عمومی
۳۱.....	آموزش عالی در ایران باستان
۳۱.....	دین و آموزش و پرورش (دوران باستان)
۳۲.....	عوامل اساسی در تشکیل آموزش و پرورش در ایران باستان
۳۵.....	بخش دوم: آموزش و پرورش قبل و بعد از اسلام
۳۶.....	آموزش و پرورش تا قبل از اسلام
۳۷.....	آموزش و پرورش ایران بعد از اسلام تا تأسیس دارالفنون
۳۷.....	رخدادهای تاریخی آموزش و پرورش از صدر اسلام تا تأسیس دارالفنون در یک نگاه
۳۸.....	سازمان مدارس از صدر اسلام تا تأسیس دارالفنون
۳۹.....	آموزش و پرورش صدر اسلام
۴۰.....	آموزش در مکتب
۴۲.....	اهداف آموزش در مکتب خانه‌ها
۴۳.....	برنامه و مواد درسی در آغاز و پیدایش مدارس
۴۴.....	روش آموزش در مدارس
۴۴.....	عناوین مدرسان در مدارس

۴۵.....	مدرسه مسجد.....
۴۵.....	مجالس.....
۴۶.....	نظامیه‌ها.....
۴۷.....	آموزش و پرورش ایران از حمله‌ی مغول تا دوره قاجار.....
۵۱.....	بخش سوم: آموزش و پرورش جدید در ایران.....
۵۴.....	تأسیس اولین مؤسسات آموزش متوسطه و عالی جدید.....
۵۸.....	سوابق مقررات تنبیهی دانش‌آموزان.....
۵۹.....	تقلید دوره متوسطه از فرانسه.....
۶۰.....	انواع مدارس و آموزشگاه‌ها تا سال ۱۳۴۵.....
۶۰.....	هدف‌های آموزش و پرورش از دیدگاه بزرگان:.....
۶۱.....	تحولات بنیادین نظام تربیت:.....
۶۵.....	فصل دوم: چه نه معامی، ا می خواهم؟.....
۶۶.....	آداب مختص مسلم.....
۶۸.....	آداب استاد به هنگام تدریس.....
۷۰.....	وظایف استاد خوب نسبت به شاگردان و کلاس.....
۷۱.....	در خاطرات سهراب سپهری می‌خواند.....
۷۳.....	بخشی از نتایج پرسش نامه‌ی چگونه معامی را می‌خواهم.....
۷۸.....	بیان چند حکایت درباره جایگاه و تأثیر معلم.....
۸۲.....	یک خاطره جانب و شنیدنی.....
۸۹.....	جایگاه معلم در نظام آموزشی الهی.....
۹۰.....	جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت جهان.....
۹۰.....	جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت مسلمان.....
۹۱.....	جایگاه و سهم معلم در ساخت جامعه‌ی ایران.....
۹۲.....	نقش و جایگاه معلم در دوران معاصر.....
۹۵.....	مقایسه جایگاه معلمان در ایران با دیگر کشورها.....
۹۷.....	جایگاه معلم در نظام آموزشی استرالیا.....
۹۸.....	جایگاه معلم در نظام آموزشی چین.....
۹۹.....	جایگاه معلم در نظام آموزشی ژاپن.....
۱۰۰.....	جایگاه معلم در نظام آموزشی روسیه.....
۱۰۲.....	جایگاه معلم در نظام آموزشی آمریکا.....

۱۰۲	جمع بندی و پیشنهادات
۱۰۵	فصل سوم
۱۰۵	بخش اول: سهل یا سخت؟
۱۲۰	حوزه‌ی فعالیت معلم در داخل کلاس
۱۵۱	بخش دوم: هندسه رفتاری مناسب دانش‌آموزان در کلاس
۱۸۳	فصل چهارم
۱۸۵	بخش اول: یک زنگ از چهار زنگ ما
۲۰۱	اشاره‌ها
۲۰۳	بخش دوم: تدریس خاطرات
۲۵۲	منابع
۲۵۴	مقالات و روزنامه و...
۲۵۵	تصاویر پیوستی

پیش‌گفتار

موضوع مهمی که آموزش و پرورش متکفل آن است و شاید بی‌اغراق می‌توان مهم‌ترین رسالت پیامبران عالی‌قدر الهی را در همین راستا دانست عبارت است از: **رشد فکری و پرورش استعدادها در سطحی بالاتر؛ رشد فکری و پرورش استعداد جریانی است، آگاهانه و مختارانه.**

بر همین منوال، رسیدن به لحظه باید لحظه آگاه‌تر شود تا از طرفی با نیروی اختیار و اراده و از سوی آموزشی و پرورش به عنوان اصلی‌ترین مرکز و پایگاه آموزشی - تربیتی با تصویب احکام و قوانین مناسب، زمینه‌ی رشد را برای رشدیابنده با توجه به استعداد و صلاحیتی که دارد، امکان دستیابی به فرصت‌ها را فراهم نماید.

البته پسندیده و شایسته است در تصویب این احکام و قوانین نظرات معلمان دلسوز و با سابقه را که هم‌زمان در مدارس دولتی و خصوصی، فنی حرفه‌ای، کار و دانش و... به امر تدریس مشغول هستند، جویا شوند. چرا که معلمان با تمامی پوست و استخوان خود با مشکلات این حرفه، دست و پا به نرم کرده و اشراف کامل به آن دارند.

با بررسی صحیح و ارزیابی دقیق احکام و قوانین می‌توان بر رنج یا دوری از فرهنگ یک جامعه پایان داد. آنگاه می‌توان امید داشت؛ دانش‌آموزان امروزی افراد با شخصیت و با فضیلت‌های اخلاقی و دین‌مدار تربیت شوند. که پایبندی به هنجارهای اجتماعی و قانونی از نشانه‌های آن می‌باشد.

آنگاه همه برنده‌ایم؛ هم کشور، هم پدر و مادر و هم آموزش و پرورش. مایه‌ی افتخارمان است که از هفت سالگی که پا به دبستان گذاشته‌ایم همواره خود را محصلی کوچک، در خیل انبوه دانش‌آموزان و پژوهش‌گران باسواد این مرز

و بوم می‌دانیم. به راستی افتخار بزرگی نصیب ما گشته، که چند صباحی از عمرمان را به شغل شریف معلمی سپری کرده‌ایم و می‌کنیم و سختی‌ها و محرومیت‌های ناشی از این شغل را علی‌رغم تلخی‌های آن با افتخار و لذت بر دوش می‌کشیم.

سختی‌هایی که شاید ما را از معاش رفاه‌گونه دور داشته ولی ذره‌ای از عشق به فرهنگ و عشق؛ پرورش گل‌های بوستان جامعه در ما کم نکرده است. و این نوشتار شعله‌ای است از این عشق.

زین آتش هفت که در سینه‌ی من است خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت

«حافظ»

امید است، تا در اثبات آن مسئولین احکام و قوانین را در پیشبرد اهداف غنی این مرز و بوم به دور از برنامه‌های مهاجرت آموزشی مطابق با موازین فرهنگ ما رقم بزنند تا در سایه‌ی آن شاهد پرورش استعدادها در سطحی بالاتر به صورت واقعی و حقیقی باشیم.

تأمین هزینه چاپ این نوشتار:

برای تأمین هزینه چاپ این نوشتار دست‌یابی به سوی هر شخص و مرجعی دراز کردیم؛ آن در را بسته یافتیم. حتی در این راستا سعی کردیم با کمیسیون فرهنگی مجلس دیداری داشته باشیم اما...

و گاهی با برخورد تند برخی از خیرین مواجه می‌شدیم که فلان کودک مشکل شنوایی دارد و سمعک می‌خواهد یا فلان شخص نیاز به عمل قلب دارد و... می‌گفتند آیا چاپ این نوشتار اهمیت دارد یا آن هزینه‌ها؟!

غافل از آن که فرهنگ، که طبق گفته‌ی مقام معظم رهبری "در حکم اکسیژن برای جامعه می‌باشد" در اثر بی‌توجهی، نفس‌هایش به شماره افتاده است و آن فرهنگ استوار دیرینه امروز چون طفلی نوپا شده است.

متأسفانه در مدارس حتی ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در حد شعار باقی مانده و کمدهای جایزه‌ی مدارس در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم به جای کتاب‌های خواندنی و جالب به عنوان جایزه در نهایت شگفتی با انبوهی از انواع جوراب و

عروسک، جامدادی و... پر شده است.

همی میردت عیسی از لاغری تو در بند آنی که خر پروری!!!

«سعدی»

از آنجا که به سرانجام رساندن این کار اهمیت فراوانی برای ما داشت، به ناچار وجه بسیاری از هزینه‌های چاپ این نوشتار با قرار دادن طلاهایی در نزد بانک کارگشایی و چشم‌پوشی از بعضی نیازهای خانواده؛ توسط نگارندگان تهیه شد. و بخش دیگر آن با حمایت‌های مادی و معنوی آموزش و پرورش منطقه ۱۹ تهران و با نفعی، گرم استاد فهیم و دانا و دلسوز جناب آقای دکتر ناصر کوهستانی تأمین گردید تا به منظور ترویج اهمیت فرهنگ و نقش مؤثر معلم در این عرصه به شرط خوانش این مجموعه رایگان در میان فرهنگ‌دوستان توزیع گردد.

این کتاب رایگان توزیع می‌شود، اما مشروط بر آن‌که:

- ۱- به منظور ترویج فرهنگ و آشنایی با مشکلات حرفه‌ی معلمی تمامی فصول کتاب با دقت خوانده شود.
- ۲- بعد از خوانش کتاب توسط فرد به فرد دیگری به شرط خوانش اهدا شود و این سیر به همین صورت ادامه پیدا کند.

درخواست از همکاران به عنوان یک پیشنهاد:

از آنجا که ما معلمان، خود پرورش یافته‌ی آموزش و پرورش هستیم و به نوعی مدیون آن؛ در حد بضاعت خود از جهت مادی و معنوی علی‌رغم کاستی‌های فراوانی که وجود دارد؛ در بیان شناخت مشکلات این حرفه تمام کوچکی برداشته‌ایم.

قبا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار خشوش بود در میان

«سعدی»

امید است، دوستان ادب‌دوست و خوش‌ذوق با خوانش این مطالب در جهت تکمیل این نوشتار گام‌های مؤثری بردارند، چرا که:

عاریت کس نپذیرفته‌ام آنچه دلم گفت بگو گفته‌ام

«نظامی»

اینک دست یاری به طرف شما همکاران عزیز دراز کرده‌ایم و از شما خواهشمندیم کمپین مطالعه‌ی این کتاب را در سراسر کشور فراهم کنید. به این صورت که بر هر دانش‌آموز و خانواده‌ای که این کتاب را مطالعه کرده، ۲ نمره به نمره‌ی مستمر آنها اضافه نمایید و به این گونه مطالعه‌ی کتاب برای خانواده‌های دوره‌ی ابتدایی فراهم می‌شود و به نوعی شما در امر معنوی این کار فرهنگی سهیم می‌شوید.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از زحمات خانم طاهره امینی که در به ثمر رسیدن این اثر نقش مؤثری داشتند؛ تشکر نماییم. لازم به ذکر است که سطرهای موزون این اثر دست‌نوشته‌های خانم مسلمی فر می‌باشد.

و من... توفیق

www.ketabon.com

آموزش و پرورش یکی از کهن‌ترین نمادهای نظام مدرن محسوب می‌شود. تا قبل از آمدن و گشایش این نهاد، مکتب‌خانه‌ها وظیفه‌ی تعلیم و به تبع آن تربیت را بر عهده داشتند. چگونگی گذر از آن نهاد سنتی، به این نهاد مدرن و تغییری که در فرهنگ حاکم به وجود آمد، هم‌چنین تغییر نوع رابطه‌ای که معلم و متعلم حاصل شد، خود حکایتی است که مجال وسیع طلب می‌کند.

آنچه که وجود دارد این است که امروز با نهادهای به نام آموزش و پرورش مواجه هستیم که به حسب نام خود و شرح وظیفه‌ای که برای آن نوشته شده باید تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین را بر عهده سازان کشور هستند را بر عهده بگیرد.

این که تعلیم چیست و باید چه هدفی را دنبال کند، و این که قرار است مبنای تربیت چه باشد و نقش فطرت در این مسیر چیست باز هم از نکاتی است که در این نوشته به دنبال آن نیستیم بلکه آنچه را که دنبال می‌کنیم، دشواری‌هایی است که از نظر اجرا با آن دست به گریبان هستیم. پارامتر از این سختی‌ها به حوزه‌های خارج از آموزش و پرورش باز می‌گردد و برخی از آن‌ها ریشه در عدم تبیین برخی اهداف خرد و نه کلان دارد.

بهار تعلیم و تربیت در خزان طبیعت؛ شاید بد نباشد که در ابتدا از نوع رابطه‌ی سمبلیک استفاده کرده و آغاز فصل آموزش و پرورش را با شروع خزان طبیعت نمادی از عدم تعطیل این امر مهم در هر شرایطی بدانیم.

در واقع می‌توانیم با الهام از این هنرنمایی بگوییم که بحث آموزش و پرورش باید در تمام احوال وجود داشته باشد. هرچند در ظاهر برای مدتی آموزش تعطیل می‌شود اما پرورش هیچ‌گاه تعطیل‌بردار نیست و چه بسا ایام تعطیلی آموزش فرصتی است برای لختی اندیشیدن، که از آموخته‌ها چه بهره‌ای برای تعالی روح انسانی خود برده‌ایم و یا باید ببریم.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که گاهی اوقات آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت را به دو بال تشبیه می‌کنند که برای پرواز روح ضروری است. با نگاهی عمیق می‌توان گفت این دو، هرچند در ظاهرشان دو بال هستند اما باید عنایت کرد که این به ظاهر مستقل‌ها، بدون حضور دیگری از اهداف اصلی خود منحرف شده و معنای خود را از دست می‌دهد. به تعبیری دیگر می‌توان گفت این‌ها، دو روح در دو جسم نیستند بلکه دو روح در یک جسم هستند که اگر هرکدام آسیبی ببیند، کل اندام از بین می‌رود. شاید بتوان از تعبیر ضرورت التزام برای زابطه‌ی آنها استفاده کرد چرا که آموزش بدون پرورش و تعلیم بدون تربیت، خسارات زیادی را برای فرد و اطرافیان او بوجود می‌آورد. نمونه روشن آن تولید سلاح‌های کشتار جمعی و... است که به دست دانشمندان پرورش نیافته بوجود آمده و دانش را در مسیر اصلی خود منحرف کرده است.

پرورش بدون آموزش و تربیت بدون تعلیم نیز از خطر ایمن نیست. در تاریخ داشته‌ایم افراد پاک و خالص که به دلیل عدم بینش صحیح و آگاهی لازم برای تحلیل چگونگی شرایط، ابزار دست قاتلان بی‌تقوا شده و ناخواسته آب به آسیاب آنها ریخته‌اند.

نتیجه آن که آموزش بدون پرورش و پرورش بدون آموزش نه تنها انسان را به کمال نمی‌رساند بلکه چه بسا باعث شود تا آدمی در مسیر قهقرا قرار گیرد.

آموزش و پرورش امری مشارکتی است؛ یکی از نداتی که بسیار حائز اهمیت است و باید به‌طور جدی به آن توجه کرد؛ مشارکتی بودن بحث آموزش و پرورش است. در این ارتباط با سه پدیده مواجه هستیم؛ معلم، متعلم و امری که آموزش داده می‌شود. از ترکیب این سه است که فرهنگی پویا شکل می‌گیرد، در غیر این صورت کاری انجام می‌شود اما این کار نشانی از رشد و تعالی ندارد. در نتیجه مجال هماهنگی با جهانی که هر روز نو می‌شود فراهم نمی‌آید. در این ارتباط باید توجه داشت که کار معلم فقط انتقال الفاظ مفاهیم و یا القای اندیشه نیست چرا که در این صورت رابطه‌ی یک طرفه، و نه مشارکتی، برقرار می‌شود. کار معلم چنانکه ذکر شد ایجاد فضای مشارکت و دعوت دانش‌آموز به تفکر است.

معلم چون باغبانی است که نهال اندیشیدن و تفکر را در روح و جان دانش‌آموز کاشته و با شدت مراقب است این نهال تا به هنگام نستبر شدن آسیبی نبیند. از دیگر سو، با توجه به تغییرات سریعی که در عرصه‌ی جهانی شاهد آن هستیم؛ این رابطه باید بر مبنای شناخت سنت و آگاهی از جهان جدید باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: "فرزندانتان را برای غیر عصر خودتان تربیت کنید". بنابراین یکی از رسالت‌های معلم یافتن پاسخ جدید برای سئوالات روز است، چرا که هیچ‌گاه نمی‌توان سئوالات و مسائل روز را بی‌پاسخ گذاشت.

پرسش‌گری، استوانه‌ی تعلیم و تربیت؛ یکی از نکاتی که باید به آن عنایت جدی داشت، بحث پرسش و پرسش‌گری است. انسانیت انسان بر پرسش‌گر بودن است. دو کس هستند نه همنام پرسشی ندارند؛ دانای مطلق و نادان مطلق. دانای مطلق که فقط خداوند است، پس اگر کسی پرسش‌گر نباشد، به‌طور قطع از سر نادانی اوسد آسیبان. بشر میانه‌ای هستند میان دانای مطلق که از روح خود در او دمیده و نادان مطلق. پس، تمام او مقام پرسش‌گری است. حتی می‌توان گفت تاریخ پرسش به قبل از انسان در آنجا که فرشتگان از چرایی خلقت انسان سؤال کردند، باز می‌گردد. بنابراین فضای آموزشی ما باید فضای پرسش و پاسخ باشد. نه دانش‌آموز و نه معلم هیچ‌کدام نباید از پرسیدن و پرسش واهمه‌ای داشته و از آن یک تابو بسازند. بلکه متولیان ضمن استقلال از هنجار جستجوگر محصلان، باید فضایی امن در محیط‌های آموزشی ایجاد کنند.

تعلیم و نه تبلیغ؛ نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه جدی کرد، تفاوت تعلیم و تبلیغ است. تعلیم، تبلیغ نیست. ما در تعلیم با عقل انسان‌ها سرکار داریم در حالی که در تبلیغ با احساس آنها. این به هیچ‌وجه به معنی کم ارزش کردن کار تبلیغ نیست بلکه منظور این است که این‌ها هرکدام وادی جداگانه‌ای دارند و افراد خود را طلب می‌کنند. محیط آموزشی، محیط تعلیم است نه تبلیغ؛ پس باید تلاش کرد تا در این فضا عقل قانع شود نه احساس سیراب. این از نکاتی است که باید عمیقاً مورد توجه قرار گیرد تا دانش‌آموز از همان ابتدا تمرین حل کردن و برخورد با مشکلات به شکل عاقلانه را فرا بگیرد. در این صورت است که آینده‌ی او

و کشور بر مبنای رفتاری که از سر عقل است نه احساس، شکل می‌گیرد. سخن در این حوزه بسیار است اما مقدمه را با آرزوی داشتن آموزش و پرورشی صحیح و پرتلاش که بتواند آینده‌سازان خوبی را برای کشور تربیت کند به پایان می‌بریم.

www.ketab.ir